

انواع نوشته



نوشته‌های زیر را بخوانید؛ آن‌ها را باهم مقایسه کنید و سپس درباره‌ی تفاوت **زبان**، **بیان** و **قالب** آن‌ها و **مخاطب** و **موضوع** هر یک توضیح دهید:

(۱) فرزند من،

آنچه مرا به نامه نوشتن وامی دارد بُعد مکان نیست، بلکه فاصله‌ی زمان است. اکنون تو کوچک‌تر از آنی که بتوانم آن‌چه می‌خواهم با تو بگویم. سال‌های دراز باید بگذرد تا تو

گفته‌های مرا دریایی و تا آن روزگار، شاید من نباشم ...

(پرویز ناتل خانلری، «نامه‌ای به پسر»)

□ □ □

۲) چارصد هزار رأس الاغ، یابو، شتر و قاطر بی کار می‌شوند؛ این‌ها زبان ندارند که بردارند روزنامه چاپ کنند و بگویند: بی انصاف‌ها چرا کار ما را از دست ما می‌گیرید؟ ... اما انصاف و مروت اروپایی‌ها که جایی نرفته ... آن‌ها هم برداشتند تلگراف کردند ... که به این ایرانی‌ها بگویند که اگر شما راه‌آهن کشیدید و حیوانات بارکش را بی کار و سلندر گذاشتید، ما هم، از روی قوانین حقوق بین‌الملل، حَقاً می‌آییم و شما را دانه‌دانه قورت می‌دهیم.

(دهخدا، «چرندوپرند»)

□ □ □

۳) هشت و نیم صبح وارد شدیم. سلام مأموران دروازه و گل‌کاری میدانگاهی‌اش پیش‌باز خوشی بود. چون از یازده دیشب توی اتوبوس بودیم و پاها آماس کرده ...

(جلال آل احمد، «خسی در میقات»)

□ □ □

۴) برای نویسنده ویژگی‌هایی برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها طبیعی و ذاتی است و برخی اکتسابی. قوت حافظه و تخیل، دقت، شوق نویسندگی، تسلط بر موضوع، شناخت منابع و مراجع، شناخت خواننده، رسالت و تعهد، کاربرد درست زبان و انتقادپذیری را از ویژگی‌های اساسی نویسنده دانسته‌اند.

□ □ □

۵) با اختراع دستگاه تولید شعاع صوت، افرادی که به بیماری فلج عضلانی و دست و پا مبتلا هستند می‌توانند موسیقی مورد علاقه‌ی خود را بنوازند یا آهنگ بسازند. به گزارش واحد مرکزی خبر، به نقل از شبکه‌ی تلویزیونی ...

(روزنامه‌ی ایران، ش ۸۱۸)

□ □ □

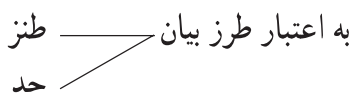
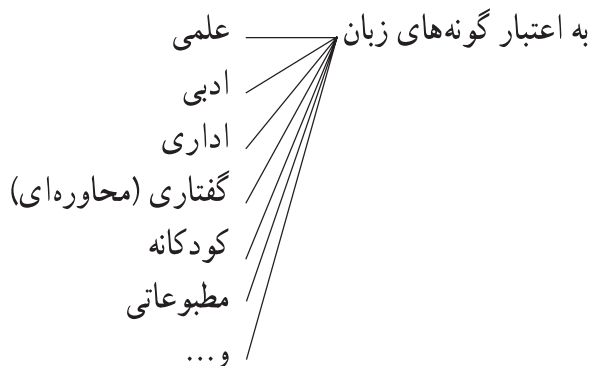
□ آیا زبان و بیان در نوشته‌های بالا یک‌سان است؟

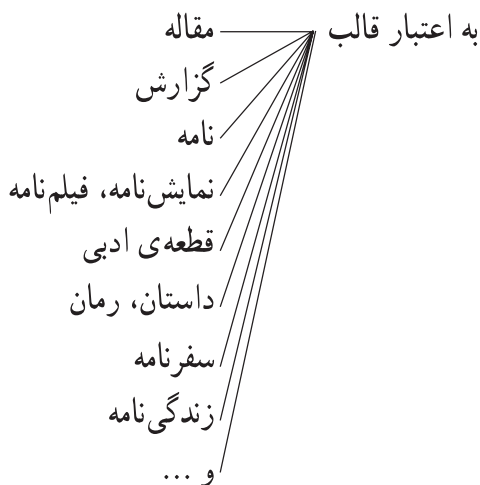
- قالب نگارشی هر یک چگونه است؟
- موضوع هر کدام از آن‌ها چیست؟
- مخاطب هر یک از آن‌ها چه گروهی است؟

نوشته‌ی اول بخشی از **نامه‌ی پدری** است به فرزندش که به زبان ادبی نوشته شده است. نوشته‌ی دوم **طنز** اجتماعی است. نوشته‌ی سوم بخشی از **گزارش** سفر و چهارمین نوشته بخشی از یک **مقاله** درباره‌ی **نگارش** است. نوشته‌ی پنجم قسمت آغازین **یک خبر** به **زبان مطبوعاتی** است.

تاکنون، شما با انواع گوناگونی از نوشته‌ها روبه‌رو شده‌اید؛ آن‌ها را خوانده‌اید یا از رادیو و تلویزیون شنیده‌اید. هنگام مطالعه‌ی بخش‌های یک روزنامه یا مقایسه‌ی کتاب‌های درسی، به تفاوت‌ها و گوناگونی‌هایی پی برده‌اید. دیده‌اید که برخی نوشته‌ها خشک و بی‌روح و برخی ساده و صمیمی هستند. زبان بعضی علمی و زبان بعضی دیگر ادبی یا عامیانه است. بیان آن‌ها گاه طنز است و گاه جدی. ضمناً نوشته‌ها عناوین متفاوتی نیز دارند: آگهی، سرمقاله، گزارش خبری، نامه، نقد و بررسی، تفسیر اجتماعی سیاسی، ادبی و

اگر بخواهیم نوشته‌ها را گروه‌بندی کنیم، باید این عمل را به چند اعتبار انجام دهیم:





به این ترتیب، می‌بینید که عرصه‌ی نگارش چه اندازه پهناور و دارای چه منظر و چشم‌انداز رنگارنگی است. برای نگارش هریک از انواع نوشته به تناسب خصوصیات که دارد، مهارت‌ها و فنونی را باید آموخت.

پس، قبل از نگارش، نوع زبان و بیان، قالب، حجم، سطح و موضوع نگارش را معین کنید و به مقتضای آن، از مهارت‌های خود بهره بگیرید.

در درس نامه‌نگاری (۱) در کنار این دوگونه‌ی زبان، با گونه‌ی اداری نیز آشنا شدیم و آموختیم که زبان نامه‌های اداری کوتاه و صریح است و در آن از اصطلاحات و تعبیرات خاصی استفاده می‌شود.

علاوه بر سه گونه‌ی نگارش (علمی، ادبی و نامه‌نگاری) که در سال گذشته با آن‌ها آشنا شدیم، از گونه‌های مطبوعاتی، گفتاری و کودکانه نیز می‌توان نام برد.

گونه‌ی مطبوعاتی همان زبان رسانه‌های گروهی به ویژه روزنامه‌ها و مجلات کثیرالتشهار است. مخاطب روزنامه‌ها عموم مردم هستند. برای آماده‌سازی هر شماره‌ی روزنامه فرصت‌ها محدود است. به همین دلیل نگارش مواد آن نیازمند کاربرد و مهارت ویژه‌ای است که به سبک روزنامه‌نگاری (ژورنالیستی) معروف است. البته همه‌ی مطالب یک روزنامه یا مجله به یک سبک و سیاق نوشته نمی‌شود؛ مثلاً بخش خبرها را از حیث زبانی و شیوه بیان نمی‌توان با بخش مقالات علمی و تحقیقی یکسان دانست. گونه‌ی گفتاری نیز همان زبان محاوره است که در برخی داستان‌ها از آن استفاده می‌شود. به این نوشته دقت

کنید :

بوی نوروز می آمد که معلّمان سرکلاس، گفت: «بچه ها عید داره نزدیک می شه. عیدی مش‌رضا یادتون نره. روز شنبه که به مدرسه می آید، به اندازه ای که دستتون می رسه، براش عیدی بیارین».

حرف هاش که تمام شد، «ایران منس»، بچه ای اعیان کلاس، خودش را لوس کرد؛ پا شد سیخ و ایستاد میان کلاس و درآمد که: «آقا ما خیال داریم از همه بیشتر پول بدیم. پنج تومان می آریم... آقا!».

معلّم گفت «بسیار خوب، بشین».

(هوشنگ مرادی کرمانی، «قصه های مجید، عیدی»)

در نقل قول های این نوشته، از زبان محاوره استفاده شده است. چنان که قبلاً نیز خواندید، زبان محاوره چند ویژگی دارد:

۱) در آن، ارکان دستوری جابه جا می شود؛

۲) کلمات شکسته می شود؛

۳) از لغات، اصطلاحات، امثال و کنایات عامیانه استفاده می شود؛

۴) این زبان، ساده و بی تکلف و قابل فهم است.

هرچه نوشته ها به زبان محاوره نزدیک تر باشند، ساده ترند و بهتر می شود آن ها را دریافت. اما به خاطر داشته باشید که در نوشته نباید از زبان محاوره استفاده کرد و فقط در نقل قول های نمایش نامه ها و داستان ها می توان از آن بهره گرفت.

فعالیت

معلوم کنید در کدام بخش های کتاب ادبیات فارسی از زبان گفتاری

استفاده شده است.

زبان کودکان نیز خاصّ آنان است. در زبان کودکان معمولاً از تعابیر، واژگان و اصطلاحات ساده و قابل فهم، بی ابهام و متناسب با فهم کودک استفاده می شود. در این زبان، نحوه ی بیان صمیمی و عاطفی و متناسب با ذوق و علاقه و احساسات و عواطف کودکان است.

نوشته‌های کودکانه باید روشن و به آسانی قابل فهم باشند :

«جنگل سیب صبح زود از خواب بیدار شد. همه‌ی درخت‌ها همیشه هرچیزی را که در خواب دیده بودند، برای همدیگر تعریف می‌کردند. یکی از درخت‌ها که پرشده بود از شکوفه‌های رنگارنگ، سراسیمه گفت: «من خواب دیدم تمام شاخه‌هایم پر از سیب شده‌اند...» جنگل پر شد از خواب‌های قشنگ درخت‌های سیب...»

(حافظ میرآفتابی، «قصه‌ی کوچک بزرگ‌ترین سیب دنیا»)

به این انواع نگارش در زبان فارسی امروز «**نوشته‌ی معیار**» گفته می‌شود؛ زیرا:

۱) زبان ملی و رسمی، فرهنگی و علمی، مطبوعاتی و آموزشی کشور ماست؛

۲) زبان درس‌خواندگان ایرانی است؛

۳) این زبان به غیر فارسی‌زبان‌ها آموزش داده می‌شود؛

۴) نشانه‌ها و عناصر محلی، لهجه‌ای، لغات مهجور فارسی و لغات بیگانه در آن

دیده نمی‌شود؛

۵) زبان، تثبیت شده و دارای اصول معینی است؛

۶) مطابق دستور زبان فارسی معاصر نوشته شده است.

خودآزمایی

۱) گونه‌ی زبان و نوع نوشته‌های زیر را معلوم کنید:

«اتاق آبی خالی افتاده بود. هیچ کس در فکرش نبود. نیروی تاریک مرا به اتاق آبی می‌برد. گاه میان بازی،

اتاق آبی صدایم می‌زد. از هم‌بازی‌ها جدا می‌شدم؛ می‌رفتم تا میان اتاق آبی بمانم و گوش بدهم. چیزی در من

شنیده می‌شد. مثل صدای آب که خواب شما بشنود. جریانی از سپیده دم چیزها از من می‌گذشت و در من به من

می‌خورد. چشمم چیزی را نمی‌دید. به سبکی پر می‌رسیدم و در خود کم‌کم بالا می‌رفتم و حضوری کم‌کم جای

مرا می‌گرفت؛ حضوری مثل وزش نور. وقتی که این حالت تُرد و نازک مثل یک چینی ترک می‌خورد، از اتاق

می‌پریدم بیرون. می‌دویدم میان شلوغی اشکال...»

(اتاق آبی، سهراب سپهری)



دهکده‌ی جهانی عبارتی است که کارشناس کانادایی ارتباطات - مارشال مک لوهان - (۱۹۸۰ - ۱۹۱۱) مطرح کرد. او که از طلایه‌داران تحلیل رسانه‌ها در دهه‌ی شصت بود، به دلیل پیش‌گویی‌ها و در واقع پیش‌انگاری‌هایی که با عنایت به نقش رسانه‌ها در قبال آینده‌ی جهان داشت، استهاری بین‌المللی پیدا کرد. یکی از مطرح‌ترین پیش‌گویی‌های او براساس همین نکته بود که دنیا در اثر رشد وسایل ارتباطی و به خصوص، نفوذ فرهنگی رادیو، تلویزیون و فیلم به دهکده‌ی جهانی مبدل می‌شود.

(رشد معلم، ش ۶، سال ۱۶، ص ۲۵)



رئیس محترم کتابخانه‌ی عمومی فرهنگ

با سلام و ارادت

پس از دریافت نامه‌ی حضرت‌عالی و پیوست آن، رمان کلیدر نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی را مطالعه کردم. ضمن ارسال خلاصه و بررسی کتاب با خرید آن برای کتابخانه موافقم. در صورت تمایل می‌توانید خلاصه و معرفی رمان را جهت آشنایی خوانندگان فصل‌نامه‌ی ادبی و هنری کتابخانه در شماره‌ی آینده درج نمایید.

(۲) خلاصه‌ی داستان خیر و شر را در یک صفحه به زبان کودکانه بنویسید.

(۳) مصدرهای داخل کمانک را به فعل مناسب بدل کنید و توضیح دهید چرا در بعضی موارد

می‌توان فعل را هم مفرد و هم جمع آورد.

روزهای نوجوانی به سرعت از پی هم (گذشتن). گذشت این روزها در رقم‌زدن سرنوشت ما تأثیر فراوان (داشتن). هر روز که از خواب (برخاستن) به خود وعده (دادن) که روزی دیگر را با پشتکاری حیرت‌انگیز آغاز خواهیم کرد. نه دیگر این سال‌های خوش نوجوانی (برگشتن) و نه زمان از حرکت (بازایستادن). تنها در صورتی که وعده‌ها عملی (شدن) می‌توانیم انتظار روزهای موفقیت‌آمیزی را داشته باشیم. تحقق وعده‌ها نیز در دست‌های سازنده‌ی خود ماست. موفقیت‌ها خود به خود به دست (آمدن). این ماییم که باید امروز بدر آن‌ها را (افشاندن) تا فردا بتوانیم محصول آن را (درو کردن).

مثال: روزهای نوجوانی به سرعت از پی هم می‌گذرند / می‌گذرد - فعل می‌تواند هم مفرد و هم جمع بیاید؛

زیرا نهاد غیر جاندار و جمع است.

(۴) با مراجعه به کتاب ادبیات فارسی (۲)، نوع نوشته‌ی درس «بچه‌های آسمان» را از نظر زبان،

بیان و قالب تعیین کنید.